

یادداشت

پیروزی با قبول شکست!

...چراکه متأسفانه نتیجه اقداماتش کمتر حل یا کاهش مشکلات بلکه به‌خصوص در عرصه‌های سیاسی (داخلی و بین‌المللی) و اجتماعی عمدتاً تشدید و بحرانی‌تر شدن وضعیت را سبب شده است. چنان‌که در حوزه اقتصاد

حرکت مؤلفه‌های مهم، نامیدکننده و عمدتاً نزولی بوده است. از تورم ۴۰ درصدی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه ارزیابی عملکرد دولت‌ها که بالاتر از تورم ۳۶ درصدی سال ۱۳۹۹ در دولت قبل قرار دارد تا رشد اقتصادی سه تا چهار درصدی لرزان متکی به درآمدهای نفتی و گازی ناشی از شل‌شدن تحریم‌ها و رشد پایین و بعضاً منفی کشاورزی و صنعت (خاموش‌شدن موتورهای رشد اقتصاد کشور یعنی نفت و صنعت با منفی‌شدن رشد موجودی سرمایه «نفت و گاز» از سال ۹۸ به بعد و «صنعت» از سال ۹۶ به بعد- مسعود نیلی ۱۴۰۲/۱۲/۵) و همچنین کاهش نرخ بی‌کاری ناشی از کاهش نرخ مشارکت یا ایجاد شغل‌های موقت که تکافوی حداقل هزینه خانوارها را نمی‌کند و حدود هفت دهک جامعه را یارانه‌بگیر کرده است و انبوه فارغ‌التحصیلان بی‌کار را به همراه داشته است (سهام ۳۹ درصدی فارغ‌التحصیلان بی‌کار از کل بی‌کاران طبق طرح آمارگیری زمستان ۱۴۰۲ - رسانه‌ها- ۱۴۰۳/۱/۱۵).

این همه اما از منظر دولت و نیروهای طرفدار آن سیاست‌های نامیدکردن مردم از دولت و حکومت عنوان می‌شود و «امیدآفرینی معیار وطن‌دوستی» (آقای رئیسی در دیدار با اعضای تشکل‌های دانشجویی- ایران- ۱۴۰۳/۱/۱۹). اما درست در همان روز که این خبر تیر رسانه دولت می‌شود، سایر رسانه‌ها از کاهش ۱۹ هزار واحدی شاخص بورس که در دو ماه اخیر بی‌سابقه بوده است و «فرار نجومی سهام‌داران» خبر می‌دهند (از جمله روزنامه جمهوری اسلامی با تیتُر «رکود جدید خروج سرمایه از بورس و فرار نجومی سهام‌داران» - ۱۷/۹). مگر بکی از مهم‌ترین راه‌های امیدآفرینی و مشارکت مردم در اقتصاد، رونق «بازار سهام» نیست؟! پس چگونه در شرایط سقوط‌های سنگین بورس، توقع مشارکت مردم در اقتصاد وجود دارد؟! سایر عرصه‌های مشارکت مردم در اقتصاد نیز البته وضعیت امن و امیدآفرینی ندارند. نه سپرده‌گذاری در بانک‌ها یا بهره‌های ماهی ۲۵ و ۳۰ درصد جواب‌گوی تورم ۴۰ درصدی است و نه حضور مستقیم در عرصه تولید با اتکا به منابع شخصی یا تسهیلات بانکی با دلار ۶۵ هزار تومانی و نوسانات شدید آن و سختی تأمین مواد اولیه و قیمت‌گذاری‌های «دستوری و فشارهای شدید مالیاتی و تأمین اجتماعی چنین مفری را برای مردم باز گذاشته است. البته دولت چنین قضاوت‌هایی را رد می‌کند و وزیر اقتصاد مدعی پهن‌کردن «فرش قرمز دولت برای تولیدکنندگان» است. (ایران- ۱۷/۹) در حالی که درست در نقطه مقابل آن فعالان اقتصادی از مداخلات روزافزون دولت نه فقط در فضای تولید بلکه در اداره تشکل‌های قانونی و مهم‌ترین آنها اتاق ایران به ستوه آمده و یکی از اعضای باسابقه این نهاد عنوان می‌کند: «تاکون این حجم از دخالت دولت در کار بخش خصوصی را شاهد نبوده است» (دنیای اقتصاد- ۱۷/۹). به‌راستی چرا این‌گونه است و با وجود ادعاها و شعارهای بسیار، واقعیت واژگونه است؟! شاید تحلیل اخیر دکتر نیلی از اقتصاد سیاسی ماجرا که از سیاست‌های غلط داخلی و خارجی و ایجاد رانت‌های عظیم و شبکه‌های مافیایی و قاچاق و... را دربر می‌گیرد، قضیه را تا حدی روشن کند. اینکه سه گروه «ذی‌نفعان رانتی»، «ذی‌نفعان معیشتی» و «ذی‌نفعان سیاست خارجی» (کاسیان تحریم) پشتیبان سیاست‌های جامع و مستمر نادرست اقتصادی‌اند. ذی‌نفعان رانتی که از نظام چندنرخی ارز و سود بانکی و قیمت‌های انرژی یارانه‌ای و... سودهای کلان می‌برند. ذی‌نفعان معیشتی که زندگی و معیشت آنان وابسته به همین فضای رانتی است مانند بیک‌های موتوری و رانندگان تاکسی‌های اینترنتی که با بهره‌گیری از بنزین ارزان و... امکان کسب‌وکار و تأمین معیشت زندگی را دارند و سیر انسانی گروه اول برای عدم تغییر و اصلاح سیاست‌های نادرست‌اند و کاسیان تحریم که کاهش تنش‌ها و روابط صلح‌آمیز با جهان و قرارگرفتن کشور در زنجیره‌های تولید و ارزش جهانی و فضای شفاف تبادلات بین‌المللی و بهره‌مندی از فناوری‌های روز و نه دست‌چندم و... به ضرر منافع آنان است. راه خروج از این وضعیت و پیروزی، از مسیر قبول شکست راه و روش طی‌شده تاکنون و وفاق بر سر منافع مشترک ملی و خیر همگانی است و اینکه مهم «ایران» تجربه‌ای که نمونه‌های موفقیت نیز در جهان داشته است از اروپای شرقی و چین و هند و ترکیه تا برزیل و تعدادی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین و... . محور مهم در تحولات توسعه‌ای در تمامی این کشورها «تولید ثروت» (و نه توزیع منابع) با سکانداری طبقه الیت و نخبه و از طریق پذیرش خرد اقتصادی و رضایت اجتماعی (الته) با تبصره‌هایی به‌خصوص در نمونه چین) و ارتباط با جهان بوده است. اهداف و ابزاری که برای ایجاد و تجمع آنها در میهنمان باید بگوشیم!

قصه دردناک کاظم صدیقی

۵- اگر بخواهیم دفاعیات و توجیهات کاظم صدیقی را بپذیریم، معنا و مفهومش این است که ایشان با وجود عناوین وزوزی و سوابق و مناصب طولانی و بالای قضائی، دانش و سواد فقهی حقوقی لازم برای تشخیص امور حقوقی باغ ازگل و مؤسسه مذکور و کیفیت نقل و انتقال و انحلال مؤسسه و ابطال سند و چگونگی پیگیری تخلف را نداشته و به‌راحتی فریب خورده و سخنانی غیرتخصصی می‌گوید و در نامه‌ای تقاضای رسیدگی می‌کند، درحالی‌که جرم علیه خودش اتفاق افتاده و وفق قوانین باید شخص خودش طرح دعوا کند، نه اینکه با نوشتن نامه خواستار رسیدگی شود؛ بنابراین این ایراد به دستگاه‌های مسئول وارد است که چرا با وجود روزجانیون فاضل و فرهیخته و قضات دانشمند باید از این‌گونه افراد استفاده شود که از تشخیص موضوعاتی به این سادگی ناتوان‌اند و به‌راحتی فریب می‌خورند.

در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۴۰۳ فردی پرچم اسرائیل را در میدان آزادی تهران و بزرگراه امام علی(ع) به نمایش گذاشت که فیلم این حرکت به وسیله شبکه ضدایرانی و تجزیه‌طلب «ایران‌اینترنشنال» و همچنین صفحه وزارت خارجه اسرائیل در فضای مجازی انتشار یافت. ازاین‌رو پیگیری این اقدام به‌سرعت در دستور کار دستگاه‌های امنیتی کشور قرار گرفت و با رصد درست اطلاعاتی، فرد پرچم‌گردان شناسایی، دستگیر و در کمتر از ۲۴ ساعت در اختیار مراجع قضائی قرار گرفت. بدون تردید ملت بزرگ ایران از جولان پرچم «هر بیگانه» و بدخواه این آب و خاک خشمگین شده و رفتاری چنین را بر نمی‌تابد. اما سال‌هاست که پرچم‌های ترکیه و باکو به همراه نمادهای مشهود و مشهور پان‌ترکیسم ازجمله گرگ خاکستری به‌طور ویژه در دو استان آذربایجان شرقی و غربی تبلیغ و ترویج می‌شوند و این در حالی است که باکو و ترکیه اثبات کرده‌اند شریک راهبردی اسرائیل در مواضع ضدایرانی هستند و این مثلث خطرناک، در جهت ایجاد خفگی ژئوپولیتیکی برای ایران عزیزمان همدست و همکار هستند! برای مثال، در مناقشات چند سال اخیر باکو و ایران در قفقاز؛ در قبال دلان تورانی (زنگنه‌زورا) اسرائیل و ترکیه را باید کارگردان و سناریونویس این تحرکات و باکو را بازیگر صحنه دانست. اسرائیل سال‌هاست باکو را به‌عنوان حیاط‌خلوت خود برای نفوذ در منطقه و اعمال سیاست‌های تروریستی و ضدایرانی انتخاب کرده و باکو نیز برای رسیدن به مطامع و زیاده‌خواهی‌های خود، این میدان را برای اسرائیل گسترانیده است. بنابراین همان اندازه که پیشگیری از نمایش و نفوذ پرچم اسرائیل در میهن نازنین‌مان ایران ضرورت دارد، ایستادگی در برابر جولان پرچم‌های ترکیه و باکو که با نفوذ عوامل پان‌ترکیسم در ایران انجام می‌پذیرد نیز ضروری است و تا زمانی که با پرچم‌های بالارفته باکو و ترکیه و اقدامات پان‌ترکیستی به‌خورد قاطع نشود، آن اقدام امنیتی در قبال پرچم اسرائیل، اقدامی ناقص و ناکافی محسوب می‌شود. در استان‌های آذری‌نشین، آن پرچم‌ها و نمادهای ریز و درشت پان‌ترکیستی به وفور و آزاردانه دست‌به‌دست شده و در اماکن عمومی ازجمله فروشگاه‌ها و ورزشگاه‌ها به نمایش و اهتزاز درمی‌آید.

سال‌هاست که پرنروشته‌های تجزیه‌طلبانه و ضد همبستگی ملی کشور در ورزشگاه یادگار امام تبریز توسط افرادی با برده شده و شعارهای دسته‌جمعی علیه تمامیت ارضی کشور مدام به کار گرفته می‌شود که استفاده از

پرچم و پرچم‌گردان اسرائیل از تهران برجیده شد

جولان پرچم‌های ترکیه و باکو در آذربایجان



نیم‌اعظمی

المان‌های قوم‌گرایانه در سطح شهر تبریز نیز از همین دست است. رسانه‌های با دغدغه ملی، همواره این‌خطر را به نهاد‌های رسمی گوشزد کرده و منتظر واکنش‌هایی به مراتب جدی‌تر هستند. بیش از ۶۰۰ کیلومتر موتر مشترک بین ایران و باکو و استقبال گرم باکو از تحرکات تل‌آویو، اسرائیل را برای نفوذ در منطقه و دست‌درازی علیه منافع ملی و مواضع امنیتی ایران گستاخ‌تر کرده است. در اعتراف یک دیپلمات پیشین رژیم اسرائیل درباره نوع پیوند و همکاری تل‌آویو-باکو آمده است: «مأموران اطلاعاتی ما (اسرائیل) در باکو چنین احساس می‌کنند که در خانه خود هستند. علاوه بر این، باکو به نوعی سکوی جاسوسی برای نیروهای امنیتی اسرائیل تبدیل می‌شود که به مرزهای ایران دست یابند».

جمال فشی، عامل ترور شهید مسعود علی‌محمدی، دانشمند برجسته فیزیک هسته‌ای ایران، هنگام اعتراف‌های خود در دادگاه، به‌روشنی از ارتباط مأموران موساد با باکو پرده برداشت.

در دسامبر ۲۰۱۴ یکی از پهلادهای اسرائیل از آسمان باکو (نخجوان) به سمت تأسیسات هسته‌ای نطنز پرتاب شد. پس از شناسایی‌شدن حسین جاویدان که در طراحی ترورهای دانشمندان هسته‌ای ایران دست داشته است، این باکو بود که به آن تروریست ضدایرانی پناهندگی سیاسی داد. علی بیوراک، مأمور پیشین اطلاعات ترکیه، در شبکه «جی‌زدتی» نزدیک به اردوغان، در سخنانش اذعان کرد: «اسرائیل کشوری است که از باکو پشتیبانی اطلاعاتی می‌کند. موساد یک پایگاه اطلاعاتی در باکو دارد که به تجهیزاتی علیه ایران مجهز است. اسرائیل از طریق باکو، علیه ایران کار اطلاعاتی انجام می‌دهد».

اما پادویی باکو برای اسرائیل، در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و نفوذ در منطقه خلاصه نشده و ابعاد گوناگونی دارد. در چند سال اخیر مناقشات مرزی بین ایران و باکو شدت بیشتری به خود گرفته و رئیس‌جمهوری باکو، الهام علی‌اف، در بی

ایجاد خفگی ژئوپلیتیکی برای ایران از طریق دلان تورانی (زنگنه‌زور) است و در این مسیر از پشتیبانی تسلیحاتی اسرائیل بهره‌مند بوده و همچنین بخش عمده‌ای از سوخت اسرائیل را تأمین می‌کند.

لازم به ذکر است که از نقش موزیانه ضلع دیگر این مثلث متحد یعنی ترکیه و تحریکات و پروپاگاندا‌های طیب اردوغان علیه ایران نیز نباید غافل بمانیم.

ایران سستیزی، فارسی‌ستیزی و شیعه‌ستیزی بخشی از ایدئولوژی گروهک «گرگ‌های خاکستری» است.

این‌گروه نوافشجیستی آشکارا شعار می‌دهد که «ما پان‌ترکیست هستیم» و روی نقشه طراحی‌شده خود، وسعت امپراتوری مدنظر پان‌ترکیست‌ها (جهان‌تورک) را نشان می‌دهد که در آن بخشی از مناطق شمال غربی و شمالی ایران نیز دیده می‌شود.

اشتراکات و همکاری‌هایی بین اردوغان و دولت باججه‌لی رهبر این گروهک وجود دارد. این گروهک نام خود را از افسانه یک گرگ خاکستری ماده (پُرغورد) مادر جد توتومی ترکان گرفته است و در طراحی روی جلد نشریه این گروهک، تصویر گرگ خاکستری درون ماه و ستاره (پرچم ترکیه و باکو) به چشم می‌خورد.

اتریش، فرانسه، آلمان و هلند فعالیت این شبکه تروریستی را به موجب قانون ممنوع اعلام کرده‌اند.

اعضای این شبکه علاوه بر نفرت‌پرانی و خشونت قومی یا مذهبی، به‌عنوان ستون پنجم دستگاه اطلاعاتی ترکیه در برخی کشورها فعالیت می‌کنند.

اما نکته درخور تأمل ماجرا اینجاست که عده‌ای در داخل ایران به‌ویژه مناطق آذری‌نشین، آشکارا به تبلیغ و ترویج آن گروهک مشغول هستند؛ چنان‌که در یک دست پرچم باکو و ترکیه را بالا برده و با دستی دیگر علامتی را نشان می‌دهند که تداعی‌کننده پوزه و چهره گرگی است که متعلق به گروهک گرگ‌های خاکستری است.

همه این شواهد، مصادیق و نمونه‌های زنده و عینی نشانگر این واقعیت است که پرچم اسرائیل با پرچم باکو و ترکیه به‌شدت گرهِ خورده و پیوند این سه پرچم، اهداف مشترکی را علیه تمامیت ارضی، امنیت ملی و همبستگی ملت ایران در خود پرورانده است. ازاین‌رو برچیدن پرچم اسرائیل و برخورد با گردانندگان آن، تا زمانی که همین برخورد با عوامل نفوذی ترکیه و باکو نیز انجام نگرفته، اقدامی ناقص و کم‌اثر محسوب می‌شود.

مصلحت ایرانیان؛ کنشگری مدنی



کیکاوس پورایوبی

روزنامه‌نگار

علیه ایران دمار ملت ما را درآوردند. بله شهروند غربی برای خودشان بسیار ارزشمند است و حقوق ویژه‌ای دارد اما همین شهروند مگر در غزه دارای حقوق اساسی نیست؟ چرا ساختمان‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها منفجر می‌شوند و خاکستر بنا‌ها روی اجساد تلنبار می‌شود و مردان و زنان و کودکان فوج فوج به شکل فجیعی از گرسنگی جان می‌دهند اما دستی نیست تا جلوگیری کند از این قساوت و ناجوانمردی! فضا و تفکر ناامیدی گاهی انسان‌ها را به امید گشایش به خارج از مرزها می‌کشاند و در تفکر شهروندانی باقره‌هایی از دگرگونی با کمک بیگانگان به گوش می‌رسد؛ با دخالت دشمن و بیگانگان برای ساختن فردایی بهتر. صحبت‌هایی شنیده می‌شود که هیچ منطقی بر آن حاکم نیست؛ تصور کنی خدای نخواسته حتی با بالاترین موشک‌های کروز (نقطه‌زن) که درصد خطای آن کمتر از دو درصد باشد، اگر بخواهد به اشتباه یک مکان شلوغ در تهران یا یک مرکز تأسیساتی و خدماتی را مورد هدف قرار دهد، چه فجایی به وجود می‌آید؟ با تخریب زیرساخت‌ها چند سال دیگر باید صبر و تحمل کرد تا به نقطه امروزی برسیم، برای رسیدن به اراده ملت، تحقق و استقرار قانون موشک‌های کروز و پهپادهای نقطه‌زن بیگانگان، دموکراسی حاصل نمی‌شود. آنان که در خارج مرزها، همدست با بیگانگان و دشمنان این ملت در حال ترسیم نقشه برای کشورند، دلشان برای این ملت نمی‌سوزد بلکه چشم دوخته‌اند به تخت حکومت حتی با نابودی کشور؛ این بنیای که امروز شاهدش هستیم، سال‌های درازی طی شده تا رونقی یابد. بله فروریختن آن آسان است اما ساختن و تکمیل آن بسیار مشکل. امروز باید پی‌نیریم مصلحت کار ما حضور مدنی و فعالیت اجتماعی است، حال در هر صنف و قشری که باشیم. زمینه‌کنشگری مدنی باز است و هر روز امکانات بیشتری برای تحقق اهداف مهیا می‌شود. فراموش نکنیم حضور مدنی با رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه بسیار متفاوت است، چون هر حکومتی قدرت دارد و از لوازم حاکمیت، اعمال زور و اقتدار است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی مجتمع الزهرا (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه مالکین محترم بلوک های ۱۱ گانه مجتمع الزهرا دعوت بعمل می آید جهت شرکت در مجمع عمومی نوبت اول در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۴ راس ساعت ۱۸:۰۰ جنب دفتر تعاونی حضور بهم رسانند.

موضوعات جلسه:۱- تأیید و تصویب اساسنامه۲- انتخاب اعضای هیت مدیره و بازرس مطابق اساسنامه

عضو هییت مدیره بلوک C شرقی
شماره تماس : ۰۹۱۲۱۴۵۶۴۹۴

گزارش

روایت‌های متناقض

از قاهره

با آغاز مذاکرات قاهره گزارش‌های ضدوتقیزی درباره جزئیات آن منتشر می‌شود. از یک سو، شبکه تلویزیونی دولتی مصر به نقل از یک مقام ارشد دولت مصر که میزبان مذاکرات است، اعلام کرد که مذاکرات درباره آتش‌بس غزه در قاهره رو به پیشرفت است و همه طرف‌ها بر سر نکات اساسی توافق کرده‌اند. این منبع مصری گفته که اسرائیل درباره آخرین دور مذاکرات، خوش‌بینی محتاطانه‌ای ابراز کرده است. این در حالی است که المیادین، رسانه نزدیک به حزب‌الله لبنان، عنوان کرده که هیچ پیشرفتی حاصل نشده است. المیادین به نقل از یک منبع ارشد در جناح‌های فلسطینی گزارش داده که هیچ پیشرفتی در مذاکرات جاری درباره آتش‌بس غزه حاصل نشده است. این منبع گفته است که رسانه‌های اسرائیلی از طریق انتشار اخبار ساختگی برای فریب جامعه خود به دروغ و فریب متوسل می‌شوند. تاکنون هیچ‌گونه اظهارنظر رسمی از سوی گروه حماس منتشر نشده است. اسرائیل و حماس در روز یکشنبه و پس از ورود ویلیام برنز، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در روز شنبه، تیم‌هایی را برای مذاکره به مصر اعزام کردند. روتبرز نوشته است که ایالات متحده در پی مشارکت برای حصول توافقی برای تبادل گروگان‌ها و کاهش بحران انسانی در غزه است. براساس گزارش القاهره، هیئت حماس قاهره را ترک کرد و طی دو روز دیگر برای توافق بر سر شرایط توافق نهایی بازخواهد گشت.

درحالی‌که هیئت‌های اسرائیلی و آمریکایی هم قاهره را ترک خواهند کرد؛ اما یارین‌ها ادامه خواهد داشت. دور پیشین مذاکرات آتش‌بس غزه در ماه گذشته به مذاکرات جیسیجر قطر و مصر به بن‌بست رسیده بود. طبق گزارش روتبرز، حماس ۲۵۳ نفر را در جریان حمله هفتم اکتبر در جنوب اسرائیل گروگان گرفته است. از این تعداد، ۱۲۹ گروگان باقی مانده‌اند و مذاکره‌کنندگان درباره آزادی حدود ۴۰ نفر در مرحله اول توافق احتمالی با حماس مذاکره کرده‌اند. حماس خواستار توافق برای پایان‌دادن به جنگ، خروج کامل همه نیروهای اسرائیلی و بازگشت آوارگان غزه است. اسرائیل دو خواسته اول را رد کرده و گفته است که در نهایت حماس را سرنگون خواهد کرد. در همین حال، نیرساریل کاتر، وزیر خارجه اسرائیل، مذاکرات قاهره را نزدیک‌ترین توافق احتمالی طرفین توصیف کرده است.

کاتر گفته است که «ما به نقطه حساسی در مذاکرات رسیده‌ایم. اگر نتیجه داد، تعداد زیادی از گروگان‌ها به خانه خواهند آمد». او با بیان اینکه در مقایسه با قبل درباره پیشرفت دیپلماتیک خوش‌بین‌تر است، افزود: «اسرائیل آماده ادامه جنگ است». باوجوداین بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، گفته است که با وجود افزایش فشار بین‌المللی، اسرائیل تسلیم خواسته‌های «افراطی» حماس نخواهد شد.

از سوی دیگر، یک منبع ارشد در جناح‌های فلسطینی به المیادین گفته است که خواسته‌های حماس روشن است و بدون «دستیابی به آنها هیچ توافق با مبادله‌ای وجود نخواهد داشت.

زمین واقع در شهرستان رباط کریم روستای انجمن آباد پایین تر از موتور خاب آب ارتش به متر از هزارو شصتد متر از زمین های سیف الله قره قوزلومی باشد که اینجانب علی قاسمی قرالکک با شماره قولنامه ۰۲۹۱ از جعفر رستمی خریداری کرده و در سال ۱۳۸۴ مدارک زمین در جاده ساهو شهرک گلستان مفقود شده و به شورای حل اختلاف گزارش شده است و شماره نامه به شماره ۲۳۸۹/۸۵ موجود می باشد.

مالک علی قاسمی قراالکک ۰۹۱۲۵۹۴۶۴۷۵

کارت معافیت از خدمت سربازی از نوع پزشکی **اینجانب محمدرضا حسانی** فرزند محمدعلی و کدملی ۰۹۴۵۵۰۸۰۶۹ در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمیانی **خودروها بجا S7** مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ایران ۹۹- ۹۷۹- ۲۸ و شماره موتور ۸۵۱۳ ۸۷۰۰ و شماره شاسی ۷۲۷۸۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کارخانه **خودروسواری سیستم سایپا تیپ 131SE** مدل ۱۳۹۵ به رنگ سفید _ روغنی به شماره انتظامی ۲۸ ق ۹۳۳ ایران ۹۴ شماره موتور ۵۵۰۸۸۴۶ و شماره شاسی NAS412100F1184380 به نام **اورنگ طهماسب پور افشار** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

کارت شناسایی و تردد **فرودگاهی** با شماره ۰۰۷۵۲۹۲۸۶۶ متعلق به **اینجانب محمد مسعود صدر زاده ابیانه** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمیانی ، کارت و سند مالکیت (برگ سبز) **موتورسیکلت سیستم بهپر تیپ cc200** مدل 1401 به رنگ سرمه ای به شماره موتور 0196N54306851 و شماره تنه N54AJDKHDNME13075 به نام **حمید رضا نجاتی** به شماره ملی ۰۹۲۵۹۳۰۲۲۹ و شماره پلاک ۸۵۷- ۱۷۷۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی **اینجانب مانا جواد** با شماره دانشجویی ۴۰۱۲۳۵۱۱۵ از دانشگاه شهید بهشتی رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمیانی **خودرو پژو 7405GLX-XU** رنگ نقره ای مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ایران ۷۷- ۷۵۳ ق ۱۲ و شماره موتور 124K0059145 و شماره شاسی NAAM01CA2CR582130 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پژو سواری- هاج پک سیستم سایپا تیپ تیبا ۲** مدل ۱۳۹۵ به رنگ نوک مدادی به شماره انتظامی ۴۹ ق ۶۵۱ ایران ۹۴ و شماره موتور ۸۲۷۹۳۲۵ و شماره شاسی NAS821100G43394 به نام **خانم فرشته مرید** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.